

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی براق و سانتور در ایران و یونان

محل انتشار:

فصلنامه جلوه هنر، دوره 10، شماره 3 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسندگان:

مزدک نظری - کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه علم و هنر یزد، یزد، ایران، نویسنده مسئول.

مریم شراره - کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه علم و هنر یزد، یزد، ایران.

افسانه تابع - دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی

خلاصه مقاله:

آن چه در این مقاله می خوانید، نقش مهم و اثرگذار اساطیر، حکومت، ایدئولوژی، هژمونی (Hegemoni)، قومیت، زبان و نشانه های دیداری و دیگر رویدادها و مولفه ها بر الگوهای باستانی، روایی و تصویری ایران و نواحی آن می باشد. این مجموعه از مبادلات فرهنگی و سیاسی، با روی کار آمدن دولت ها و هم نشینی اندیشه متفکران و هنرمندان، بنیاد نشانه های تصویری را دگرگون نموده و آموزه های دینی را در بطن آن، مستتر گردانیده اند. بدین ترتیب، این ساختار، موجب تغییر در مفهوم و اندک تمایزی بر شکل ظاهری مرکب پیام آور اسلام (براق/ تصویر او^۳) در داستان معراج گردیده است. اسطوره ای همتای سانتور (Centaur) یونانی (تصویر^۲)، با پیکره ای حیوانی و سیمایی زیبا و انسانی، که قدرت حاکمان نواحی اسلامی، روابط نمادین در علم اعداد، ناخودآگاه مردانه و جنسیت زنانه و دیگر موارد را با روایتی مقدس و منسوب به مسلمانان (معراج پیامبر) ادغام و منتشر نموده است. از این رو، آمیزش صورت گرفته، محصول نوعی تطبیق بینا فرهنگی و جهان بینی سیاسی در پادشاهی گسسته ایران می باشد، که به منظور ترویج آرمان های مذهبی، حکایت معراج را با نقش براق (Buragh)، به صورت آشکار یا پنهان پیوسته و روانه فرهنگ اسلامی می گرداند. حال آن که، گفته های بالا نتیجه ساختار پژوهشی کتابخانه ای و تطبیقی از گونه عرضی است؛ تا در رسیدن به وجهی دیگر از جوهره فکری و تصویری هنر ایران دست یابیم. بر این اساس، مطالعات نظری این تحقیق، ما را در جهت پاسخ به: ۱- چگونگی رابطه ظاهری و معنوی براق و سانتور؛ ۲- بررسی جنسیت، مفاهیم و عوامل اثرگذار بر زنانگی یا مردانگی مرکب پیامبر، یاری خواهد کرد.

کلمات کلیدی:

تطبیق، معراج، اسطوره، براق، سانتور

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1371953>

